

تهران مصور

قلب تپنده تعزیه در تهران قدیم



نقاشی کمال الملک از برگزاری تعزیه در تکیه دولت

امروز نامش را عظیم ترین نمایش خانه تاریخ ایران گذاشته اند و می گویند جز چند نشان در «تالارهای کاخ گلستان» چیزی از این بنای عظیم که روزی مکان اصلی اجرای تعزیه و سوگداری های عاشورا بوده، باقی نمانده است.

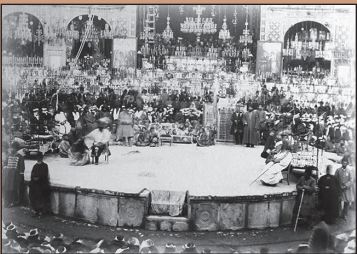
یحیی ذکاء در کتاب تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران، تاریخ ساخت تکیه دولت را سال ۱۲۹۰-۱۲۸۵ ذکر کرده و ساخته شدن آن را به دوستعلی خان معبر الممالک و فرمان ناصر الدین شاه نسبت داده که ۳۰۰ هزار تومان خرج ساخت آن شده است. معماری زیبا و منحصر بفرد تکیه دولت در زمان خود موجب شده است برخی پژوهشگران از آن به عنوان نخستین امفی تئاتر ایران یاد کنند. البته شکوه و عظمت این بنا خیلی ها را به تحسین واداشته بود.

تکیه دولت بنا بر اقبال حدود ۳ هزار متر مربع مساحت داشته که در ۳ یا ۴ طبقه بنا شده بود. در طبقه اول وزرا و حاکمان ولایات و طبقه دوم بانوان حرم ساکن می شدند که ناصر الدین شاه هم در این طبقه جایگاه داشت و در طبقه سوم هم تزارچی ها حضور داشتند.

این تکیه با اتفاقات تاریخی نیز پیوند جالبی دارد و شاید کمتر کسی از آن باخبر باشد. از اهمیت این مکان همین بس که جنازه مظفر الدین شاه را قبل از انتقال به عتبات طی مراسمی در تکیه دولت چرخاندند و در سوگ او عزاداری مفصلی گرفتند. جالب اینکه مجلس مؤسسانی که ۱۵ آذر ۱۳۰۴ برای برکناری احمدشاه و نشان دادن رضاشاه به حکومت موقت برپا شد، در همین تکیه دولت بود. بد نیست بدانید منبر تکیه دولت هم دارای شهرت و اعتبار خاصی بود. این منبر که نقل است به سفارش معبر الممالک در یزد ساخته شده بود، دارای ۲۰ پله بود و به انداز یک طبقه تکیه دولت از ارتفاع داشت. در زمان مشروطیت این منبر را به میدان توپخانه منتقل کردند که شیخ فضل الله نوری روی آن سخنرانی می کرد.



در کتاب المآثر و الآثار، از اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصر الدین شاه آورده شده: «تکیه دولت از بناهای بسیار عالی دولتی است که مدور و چهار طبقه ساخته شده و همه از آجر است و هشت دایره از چوب های کلفت و آهن برای سقف آن ساخته اند که در صنعت تجاری آن مهارت بسیار به کار رفته است. در ایام محرم پارچه ای از کرباس به روی آن طاق های چوبی می کشند که از آسیب باران و آفتاب مصون باشند و در اطراف تکیه هم بعضی بناهای عالی ساخته اند و این بنا و تکیه در میان شهر همچون کوه عظیمی است. از پنج فرسنگی تهران این آثار پیداست.» در بیشتر سال ها تعزیه خوانی تکیه دولت از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر ماه صفر همچنان ادامه داشت و حتی در ماه های غیر از محرم و صفر نیز در آنجا تعزیه اجرا می شد. بنیان مجلس این تعزیه ها رجال دولت بودند که هر کدام هزینه برگزاری چند روز تعزیه را بر عهده می گرفتند؛ البته شکوه و جلال این تعزیه ها به پای تعزیه های دهه اول محرم نمی رسید. با این حال سرنوشت تکیه دولت برخلاف بسیاری از بناهای تاریخی از دودمان قاجار فراتر نرفت، پس از روی کار آمدن پهلوی به فراموشی سپرده شد و پس از مخروبه شدن آن بیشتر عرصه آن را به ساخت شعبه بانک ملی بازار اختصاص دادند.



ای سند غربت آل علی ؑ

تهران با همایش شیر خوارگان حسینی، رخت عزای محرم به تن کرد



فاطمه عباسی

یک صبح تابستانی در پایتخت، انگار همه شهر بیدار شده اند تا بار دیگر صدای مظلومیت را با زبان بی کلام کودکان امروز تکرار کنند. محرم که از راه می رسد، تهران دلش را به دست خطرات هزار ساله می سپارد و دیروز جمعه اول ماه محرم، جایی در تکیه ها و حسینیه های شهر، روایت یغی هزار ساله دوباره آغاز شد؛ روایتی که این بار نه فقط از زبان نوحه خوان ها که از دل آرام مادرانی جاری است که کودکان معصوم شان را در آغوش گرفته اند. اینجا، هر لالایی مادرانه پیوندی بی واسطه با کربلاست و هر اشک نوزاد، پژواک عطش و مظلومیت علی اصغر(ع) در سایه سار تاریخ. شیر خوارگان حسینی، شاید تنها جایی است که اشک مادران و خنده نوزادان همزمان به آسمان می رود؛ جایی که تهران تسلیم طراوت یک خاطره می شود؛ خاطره ای که قرن هاست از دل کویر کربلا تا قلب هر مادری، راهی بی پایان پیدا کرده است. آیین با مرثیه و شعر و نوای عاشورا آغاز می شود. مادران آرام نوزادان شان را بالا می برند، مثل پرچم های کوچک امید. آنچه این



در دل شلوغی مراسم، نوزادی با لباس سفید و سرپند «یا حسین» آرام در آغوش مادرش خوابیده؛ معصومیتی که بغض تاریخ را بی کلام روایت می کند.



تصویر، ترجمان بی صدای عشق و ارادت نسل جدید به ساخت امام حسین(ع) است.



چشم های بسته و پیشانی بند سبز، یادآور مظلومیت روز کربلا بر شانه نسل امروز است.



لباس ساده و سپید کودکان در آغوش مادرانشان، نشانی از پاکی و امید در دل بیهوای مراسم محرم است.



جمعی از مادران و نوزادان سراپا سپید و سبز، حلقه ای از عشق و ایمان در مراسم شیر خوارگان ساخته اند. هر نگاه مادرانه، پیامی تازه با صدای بی کلام عاشورا است.



صدای لالایی های آرام و زمزمه یا حسین، فضا را با عطر مهر و اشک پر می کند.



در میان از حجام عزاداران، مادران نوزادانشان را آرام در آغوش گرفته اند؛ این تصویر، هم نفس شدن نسل ها در سوگ حسین(ع) را روایت می کند.



هر چشمی خیس اشک را پنهان نمی کند، هر چهره تصویری از پیوند نسل ها با واقعه کربلاست.



صف طولانی مادران یا نوزادان سفیدپوش در آغوش، لحظه ای بیکارچه از همدردی و عهد دوباره با عاشورا را به تصویر کشیده است.

یک هیئت قدیمی در محله ای قدیمی



سیدمروش طباطبایی پور

جاذبه های تهران، هویت این شهر است و البته گوناگون و متنوع؛ از بوستان و کوهستان گرفته تا عمارت و کاخ گلستان! اما برخی از این جاذبه ها، افکار و اندیشه های تهرانیان قدیم را نمایان می کنند؛ مثل برخی تکایا در محله های تهران که ارادت تهرانی های قدیم را به سپید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) نشان می دهد. یکی از این مکان ها، مهدیه تهران است؛ جایی که تهرانی های قدیم را یاد حاج احمد کافی و سخنرانی های اثر گذارش می اندازد؛ مهدیه تهران در محله امیربهادر تهران واقع است. به همین بهانه سری به محله امیربهادر تهران می زنیم.

تاریخ

حسین پاشاخان ملقب به امیربهادر، وزیر جنگ مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار بود که حوالی محله امیربهادر کنونی، خانه ای بنا کرد. البته در آن روزگار، خبری از آپارتمان های چندطبقه و خانه های سر به فلک کشیده نبود، اما آن منطقه که اکنون محله منبریه، امیربهادر و امیریه را شامل می شود، سکونتگاه درباریان و اعیان نشینان تهران بود. ساخت عمارت امیربهادر، به سال ۱۲۷۹ شمسی بازمی گردد که از آن روزگار، اشراف پایتخت، حوالی عمارت امیربهادر خانه ساختند و برو و بیای این محله باعث تولد و گسترش آن شد.

از بنای امیربهادر تا انجمن آثار ملی



عمارت امیربهادر، در حدود ۳ هزار مترمربع در دو طبقه بنا شده که در حیاط آن، حوضی فیروزه ای قرار دارد و در کنارش، باغچه هایی فراوان هست. طبقه همکف، نمایی آجری دارد و نمای طبقه بالا، بسا گچبری های ظریف، پوشیده شده و تالاری آینه کاری شده در طبقه همکف! در یکی از سفرهای محمدعلی شاه، امیربهادر هم با او همراه شد و دیگر برنگشت و خانه اش را انجمنی به نام انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۶ خرید و از آن روز تاکنون، برای ثبت و طبقه بندی آثار ملی ایران و نگهداری آثار نفیس استفاده می شود که متأسفانه این روزها شرایطش برای بازدید عموم فراهم نیست.

مهدیه تهران

یکی دیگر از بناهای اثر گذار این محله قدیمی، مهدیه تهران است. مشهور است یکی از ساکنان قدیمی این محله، واعظی خوشنام به نام حاج احمد کافی بود که در خانه اش، هیئتی به نام «جلسه المهدی (عج)» برپا می کرد. این هیئت در محله امیربهادر آن قدر رونق گرفت که کوچه ها و خیابان های محل بسته می شد و همین موضوع او و خیرین محل را بر آن داشت تا نزدیک به خانه اش، در ملک یکی از تاجران معروف پارچه تهران، مهدیه تهران را بنا کنند. کلنگ ساخت مهدیه در سال ۱۳۴۷ شمسی زده شد. این بنا که به مرور گسترش یافت، اکنون حدود ۵ هزار مترمربع وسعت دارد و علاوه بر برپایی مراسم های مذهبی، کتابخانه، درمانگاه، دارالقرآن و حوزه علمیه هم دارد. می گویند حاج احمد کافی، نفس حقی داشت و وقتی در مهدیه تهران درباره امام عصر(عج) و دیگر ائمه اظهار مختصر و مفید می خواند، حاضرین را تحت تأثیر قرار می داد.

اکنونش

این محله، اکنون در منطقه ۱ شهرداری واقع شده و از محله های پر رونق و پررفت و آمد تهران است. در این محله مراکز خرید، سینما، رستوران، مدرسه و مساجد معروف قرار گرفته و به خاطر نزدیکی اش به بازار تهران، از نظر تجاری هم رونق دارد.

